

بررسی میزان تعامل پذیری واحدهای همسایگی با استفاده از رویکرد صمیمیت فضایی^۱

نمونه موردی: محدوده خیابان جهان آرا، بولوار پاسداران، شیراز

سه‌نهد لطفی^۲

محمد حسین پور^۳

علی سلطانی^۴

پریسا خواجه‌زاده^۵

چکیده

واحدهای همسایگی، تبلور کالبدی - فضایی اجتماع شهری، و نمایانگر شیوه‌های حضور و تعامل انسانی بر مبنای الگوی پایه سکونت‌اند. از این رو، شاید بتوان مهم‌ترین خلاء در واحدهای همسایگی امروزی شهرها را، فقدان ارتباط عمیق و تعامل مداوم دانست. از جمله ملاحظات آنکه در بازسازماندهی فضاهای شهری، لازم است توجه قرار بگیرد، ابعاد اجتماعی فضا است که شامل کیفیت‌های فضایی انسان‌محور از جمله «تعامل پذیری» است. یکی از عوامل تأثیرگذار در تکوین و تقویت تعامل پذیری، کیفیت «صمیمیت» فضایی است که خود، شامل مؤلفه‌ها و شاخص‌های گوناگونی است. آنچه در این مقاله به آن پرداخته شده، بررسی کیفیت تعامل پذیری با رویکرد صمیمیت فضایی، در محدوده خیابان جهان آرا که شامل محدوده‌ای با مختصات کلی یک واحد همسایگی است. بدین منظور، مؤلفه‌های مؤثر در تکوین کیفیت تعامل پذیری بر اساس مبانی نظری و بازخوانی ادبیات مرتبط، استخراج گردیده و سپس، وضعیت مؤلفه‌های مورد نظر با استفاده از پرسشنامه و مطالعات میدانی احصاء و بررسی شده است. سپس، با استفاده از روش‌های آماری و استفاده از آزمون همبستگی، ارتباط بین مؤلفه‌های مؤثر بر شکل‌گیری کیفیت صمیمیت فضایی و مؤلفه‌های کالبدی، زیست محیطی و اجتماعی محدوده مورد نظر مورد بررسی قرار گرفته است. در آخر، داده‌های به دست آمده، با استفاده از آزمون همبستگی اسپیرمن، مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج حاصل نشان می‌دهد که مؤلفه‌های کالبدی، اجتماعی و زیست محیطی مؤثر بر شکل‌گیری کیفیت صمیمیت فضایی در وضعیت نامطلوبی قرار داشته‌اند لذا می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که محدوده مورد نظر در حال حاضر فاقد کیفیت صمیمیت فضایی است، و در نتیجه تعامل پذیری نیز در این محدوده در وضعیت نامطلوبی قرار داشته، و لازم است به منظور تقویت تعامل پذیری اقداماتی نظیر بازطراحی فضای شهری و ارتقاء کیفیت‌های مرتبط با مفهوم تعامل پذیری، صورت بگیرد.

واژه‌های کلیدی:

صمیمیت فضایی، تعامل پذیری، فضای شهری، واحد همسایگی

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده چهارم است که به راهنمایی نگارندگان اول و دوم و مشاوره نگارنده سوم در دانشکده هنر و معماری دانشگاه شیراز به انجام رسیده است.

۲. استادیار طراحی شهری، بخش شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز، (نویسنده مسئول). slotfi@shirazu.ac.ir

۳. استادیار برنامه ریزی شهری، بخش شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز. m_hosseinpour@shirazu.ac.ir

۴. استاد برنامه‌ریزی و طراحی شهری، بخش شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز. soltani@shirazu.ac.ir

۵. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، بخش شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز. parisa.khajehzadeh@yahoo.com

مقدمه

فضا و جامعه ارتباط مستقیمی با یکدیگر داشته و بر هم تأثیر گذارند (کارمونا و دیگران، ۱۳۸۸). به بیانی دیگر، بررسی فضا بدون توجه به بستر اجتماعی آن و یا بررسی جامعه بدون توجه به ظرف فضایی آن، بسیار مشکل خواهد بود. در این ارتباط هالپرین^۱ (۱۹۸۱) معتقد است فضاهای شهری، فرصتی برای مشارکت در زندگی اجتماعی به شمار می‌آیند و موجب هم‌افزایی و تکوین سرمایه اجتماعی اند (Zakariya et al., 2014: 679)، از سوی دیگر می‌توان گفت افرادی که در یک محدوده یا واحد همسایگی زندگی می‌کنند، نیازمند برقراری تعامل و ارتباط با یکدیگر اند (Jacobs, 2002: 101). چنان که جین جیکوبز در کتاب خود تحت عنوان مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی، عنوان کرده است که ترکیب فرهنگ و اقتصاد و عملکردهای مسکونی در مقیاس محلی و واحد همسایگی، مهم‌ترین عامل در توسعه زندگی شهری محسوب می‌گردد (Bin Ngah, 2013: 185).

تعامل اجتماعی نیز، یکی از انواع فعالیت‌های اجتماعی است که می‌تواند در فضای شهری به وقوع بپیوندد (گل، یان، ۱۳۹۲). این مفهوم، اولین و ساده‌ترین عنصر زندگی مشترک انسانی است، چرا که نیاز افراد به برقراری ارتباط اجتماعی با دیگران نیازی ذاتی و برآمده از سرشت آدمی است. بطور کلی می‌توان گفت عوامل متفاوتی می‌توانند در شکل‌گیری یک فضای شهری تعامل پذیر تأثیر گذار باشند؛ یکی از این عوامل، کیفیت «صمیمیت فضایی»^۲ است.

صمیمیت فضایی کیفیتی از فضای شهری است که در ارتباط متقابل با تعاملات اجتماعی قرار دارد، به این معنی که هم تعامل و ارتباطات اجتماعی می‌توانند باعث

تکوین کیفیت صمیمیت در فضای شهری شوند و هم حضور این کیفیت در فضای شهری، زمینه مساعدی برای تقویت تعاملات اجتماعی فراهم خواهد نمود. مفهوم صمیمیت نخستین بار در سال (۱۹۹۸) توسط شخصی به نام پیاتائی در حوزه برنامه‌ریزی شهری معرفی گردید (Nowicka, 2014: 347). پس از پیاتائی افراد بسیاری به بررسی مفهوم صمیمیت در ارتباط با شهر و فضاهای شهری پرداخته‌اند، و عوامل مؤثر و تأثیرگذار بر شکل‌گیری این کیفیت فضایی و نقش آن در تقویت تعاملات اجتماعی و ایجاد فضاهای شهری سرزنده را مورد پژوهش و بررسی قرار دادند. نتایج حاصل از مطالعات صورت گرفته در این زمینه نشان‌دهنده این امر است که صمیمیت فضایی به عنوان یکی از عوامل (مؤلفه‌های) تأثیرگذار بر شکل‌گیری تعاملات اجتماعی در فضای شهری، با این مفهوم (تعامل‌پذیری) دارای ارتباط مستقیم و دو طرفه است. به بیان دیگر، هم صمیمیت فضایی می‌تواند منجر به شکل‌گیری تعاملات اجتماعی در فضای شهری شود و هم می‌توان گفت که فضای تعامل‌پذیر دارای کیفیت صمیمیت فضایی می‌باشد. همچنین مطالعات صورت گرفته، مبین این امر است که شاخصه‌های هر دو مؤلفه تعامل‌پذیری فضای شهری و صمیمیت فضایی با هم همپوشانی دارند. در این مقاله تلاش گردیده تا با توجه به مؤلفه‌های بدست آمده بر مبنای متون و مبانی نظری، حضور کیفیت صمیمیت فضایی در محدوده مورد نظر مورد ارزیابی و بررسی قرار بگیرد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات همبستگی بوده و به لحاظ هدف، تحقیقی کاربردی است. روش تحقیق روش پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها نیز پرسشنامه

1. Lawrence Halprin (1916-2009)
2. Space Conviviality

توجه به آن سبب شکل‌گیری بافت شهری سرزنده در پیرامون و یا بر حول محور خود شده است (راست بین و همکاران، ۱۳۹۱). نقطه آغازین این حرکت توسط افرادی چون پاول زوک^۱ (۱۹۵۹)، جین جیکوبز^۲ (۱۹۶۹)، ویلیام وایت^۳ (۱۹۸۰)، یان گل^۴ (۱۹۸۷)، کلر کوپر مارکوس و کارولین فرانسیس (۱۹۷۷) و هلن وولی^۵ (۲۰۰۳) انجام شده است. مفهوم صمیمیت در شهرسازی نخستین بار در سال ۱۹۹۸ توسط شخصی به نام پیاتائی و در حیطه برنامه‌ریزی شهری معرفی شد. وی معتقد بود که برنامه‌ریزی اجتماعی می‌تواند بستر مناسبی برای شکل‌گیری روابط طولانی مدت در یک مکان مشخص فراهم نماید. به اعتقاد او، در راستای شکل‌گیری کیفیت صمیمیت فضایی در یک فضای شهری، سیاست‌های مکانی ویژه‌ای بایستی اتخاذ گردد، که اصلی‌ترین آن‌ها این است که گرایش یا رویکرد خاصی برای آن فضا در نظر نگرفته باشیم (Nowicka, 2014: 347).

پس از پیاتائی، ایوان ایلچ (۱۹۷۳) در مقاله‌ای تحت عنوان "ابزارهایی برای صمیمیت" به بررسی مفهوم صمیمیت فضایی پرداخته است. ایلچ معتقد است که ابزارهای صمیمیت شامل ایده‌ها، مؤسسات و همه وسایل و ابزار می‌شوند که در شکل‌گیری این مفهوم در جامعه تأثیرگذار خواهند بود. و نتایج حاصل از این کیفیت در فضای شهری، شامل بهبود آموزش عمومی، جمع‌گرایی، تعامل‌پذیری، استقلال و تعاملات خلاقانه در فضای شهری خواهد بود (Illich, 1973: 25). فینچر مفهوم صمیمیت فضایی را معادل مفهوم "آشنایی‌های آسان" دانسته و معتقد است که شکل‌گیری تعاملات

است که توسط محقق تهیه گردیده است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه خانوارهای ساکن در محدوده جهان آرا در شعاع چهارصدمتری از مرکز محله فرضی مورد نظر برای طراحی فضای مرکزی محله، بوده است. بر اساس داده‌های به دست آمده، تعداد خانوارهای ساکن در این محدوده برابر با ۸۶۵ خانوار است. حجم نمونه با سطح اطمینان ۹۵ درصد و احتمال خطای ۵ درصد و بر اساس فرمول کوکران ۲۶۵ خانوار تعیین گردیده است. روش نمونه‌گیری به روش تصادفی ساده و در دسترس صورت گرفته است.

با توجه به هدف تحقیق و ارتباط مستقیم کیفیت مورد نظر با حضور مردم و تأمین خواسته‌ها و نیازهای استفاده‌کنندگان، سؤالات پرسشنامه در دو دسته طبقه‌بندی شده‌اند. در بخش اول، مشخصات مؤثر پرسش‌شوندگان بر هدف تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است. بخش دوم سؤالات پرسشنامه، به بررسی وضع موجود شاخصه‌های مؤثر بر شکل‌گیری کیفیت صمیمیت فضایی منتج از مبانی نظری، از طریق آزمون همبستگی بین مؤلفه‌های مؤثر بر شکل‌گیری کیفیت صمیمیت فضایی و ویژگی‌های کالبدی نمونه موردی و همچنین ویژگی‌های اجتماعی ساکنین محدوده مورد نظر پرداخته است؛ سرآخر داده‌های حاصل با استفاده از نرم افزار SPSS و با استفاده از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته است.

مبانی نظری و پیشینه موضوع

از گذشته‌های دور، همواره فضاهای شهری اجتماع‌پذیر و انسان‌مدار در ساختار شهرها، نقش مهمی داشته، و

1. Paul Zucker (1959). Town and square, New York: Columbia University Press.
2. Jane Jacobs (1961). The Death and Life of Great American Cities, New York: Random House.
3. William H. Whyte (1980). The social life of small urban spaces, New York: Conservation Foundation.
4. Clare Cooper Marcus and Carolyn Francis (1977), People Places: Design Guidelines for Urban Open Space, New York: John Wiley and Sons.
5. Hellen Woolley (2005), Urban Open Spaces, New York: Spon Press.

شهری اتفاق می‌افتد (Nowicka, 2014:347). امین نیز معتقد است که صمیمیت، نشانه‌ای از شکل‌گیری تمدن در فضای عمومی است. وی بر این باور است که "صمیمیت گونه‌ای از همبستگی فضایی است" (Amin, 2008:108).

مفهوم صمیمیت در ارتباط با تنظیمات بهینه فضایی، بطور ضمنی، در کارهای وود و همکاران (۲۰۱۰) نیز دیده شده است. وی در بررسی‌ها و مطالعات خود در مورد مفهوم صمیمیت به این نتیجه رسید که، امکان پیاده‌روی در محدوده واحد همسایگی منجر به تقویت حس تعلق اجتماعی و شکل‌گیری فضایی صمیمی خواهد شد. از دید وی و همکارانش فضای صمیمی مکانی است که پر جنب و جوش و همه شمول باشد، و پیاده‌روی‌های دوستانه در آن، امکان تعامل اجتماعی را فراهم نماید (Wood et al, 2010:1385).

کچ و لاتهام (۲۰۱۱) نیز به بررسی تبدیل فضای جرم خیز به فضای شهری صمیمی پرداخته‌اند. آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که مفهوم صمیمیت به معنی حسی از کیفیت زندگی جمعی است که بوسیله ایجاد فضاهای باز و همه شمول در محیط‌های مسکونی ایجاد خواهد شد (Koch & Latham, 2011:521). پراهام (۲۰۱۵) نیز به بررسی نقش صنایع مرتبط با مواد غذایی در شکل‌گیری صمیمیت فضایی پرداخته است. وی معتقد است که حضور دستفروش‌ها و محل‌های تهیه و توزیع مواد غذایی همچون آهنربایی مردم را به فضای شهری دعوت می‌کند و زمینه‌ساز حضور و برقراری تعامل و ارتباط بین افراد و در نتیجه شکل‌گیری صمیمیت فضایی خواهد شد (Parham, 2015:81).

تعامل اجتماعی

همان‌طور که می‌دانیم عوامل بسیاری بر شکل‌گیری تعاملات اجتماعی در فضاهای شهری تأثیرگذار هستند

کوچک مقیاس در فضای شهری بر شکل‌گیری صمیمیت فضایی تأثیر بسزایی خواهد داشت (Fincher, 2003:57).

از دیگر افرادی که در زمینه صمیمیت فضایی، مطالعاتی را انجام داده‌اند می‌توان به پائول گیلوری اشاره کرد. وی معتقد است که مفهوم صمیمیت در گفت‌وگوهای عمومی به معنی "زندگی با یکدیگر" است، و بر مبنای مفاهیم تئوری به عنوان مبنای زندگی در جوامع چند فرهنگی به شمار می‌آید (Gilroy, 2006:330). به اعتقاد گیلوری تفاوت‌های قومی و نژادی، مانعی برای شکل‌گیری صمیمیت در یک فضای شهری نخواهد شد، چرا که این تفاوت‌ها به مرور زمان عادی می‌شوند و مسئله‌ساز نخواهند بود. در این رابطه آن‌چه که اساساً مفهوم صمیمیت را با مشکل روبرو می‌کند، شیوه زندگی افراد یک جامعه، ترجیحات آن‌ها برای گذران اوقات فراغت و سلاقی آن‌هاست (Nowicka, 2014:347).

واتمر و هینچلیف به منظور بررسی مفهوم صمیمیت، به بررسی رفتار انسان‌ها، تأثیر مواد و مصالح و همچنین الگو و ریتم موجود در فضای شهری و تأثیر آن بر شکل‌گیری صمیمیت فضایی پرداخته‌اند (Whatmore & Hinchliffe, 2006:130). آن‌ها صمیمیت را روش افزایش ظرفیت رشد افراد به هنگام داشتن ارتباط با دیگران، تعریف کرده‌اند (Nowicka, 2014:347). فیلو و لاریر نیز کافه‌ها را به عنوان مکانی که زمینه‌های شکل‌گیری صمیمیت را فراهم می‌آورند، معرفی می‌نمایند (Philo & Laurier, 2006:199). نیگل تریفت در سال ۲۰۰۸، سیاست‌های شهری‌ای را تحت عنوان "تکنولوژی‌های زیبایی‌شناسانه و اجتماعی حضور" معرفی می‌نماید. وی معتقد است که این سیاست در برگرفته مفاهیمی چون "صمیمیت"، "مهربانی" و "احساسات" می‌باشد. تریفت آن جنبه از صمیمیت را مد نظر قرار می‌دهد که در زندگی روزمره و جنبه‌های ارتباطی مؤثر از زندگی

دوسویه است. یکی از این عوامل که در این جا به بررسی آن خواهیم پرداخت، مفهوم صمیمیت فضایی می‌باشد.

صمیمیت فضایی

در فرهنگ لغات، واژه "Convivial" به معنی شاد، صمیمی، خواهان شادمانی تعریف شده است (Shaftoe, 2008: 13). این واژه معمولاً همراه با واژه‌های دیگری نظیر دوستانه^۳، تعامل‌پذیر^۴ و جشنوارگی^۵ همراه است (Nowicka, 2014:341). مفهوم صمیمیت، معانی متفاوتی می‌تواند داشته باشد اما در این نوشتار به بررسی مفاهیم مرتبط با تعامل اجتماعی خواهیم پرداخت. به اعتقاد رماتییک گرایان عصر روشنگری مانند ژان ژاک روسو^۶، هم صمیمیت و هم معاشرت، مفاهیمی ذهنی در مورد موجودیت بشر هستند (مدنی پور، ۱۳۸۹). ایلچ نیز معتقد است که صمیمیت عبارت است از: «زندگی مستقل و برقراری ارتباط و تعامل بین افراد با یکدیگر و همچنین با محیط پیرامونشان» (Illich, 1973: 26). آریزی^۷ (۱۹۹۸) نیز معتقد است که اصل نخستین و پایه ای به منظور داشتن تجربه زندگی با هم و نه زندگی در کنار هم در یک اجتماع عمومی در مفهوم "Convivencia" به عنوان حالتی از همزیستی مسالمت‌آمیز، است (Nowicka, 2014: 346). همچنین به اعتقاد هینچلیف برقراری ارتباط با دیگران و داشتن تعامل اجتماعی با اتکای کمتر به گونه‌های اجتماعی انحصاری، منجر به شکل‌گیری صمیمیت خواهد شد (Hinchliffe, 2006: 131). به اعتقاد بویورت وجود صمیمیت در روابط انسانی ریشه در حضور

اما بطور کلی می‌توان گفت که «هرگاه نظم فضایی، فعالیت‌ها و معانی با هم سازگار باشند و یکدیگر را تقویت نمایند، رابطه اجتماعی در فضا نیز تقویت خواهد شد» (Rapoport, 1977: 103). ضمن آنکه فرصت‌های بالقوه‌ای که در نتیجه تعاملات اجتماعی بوجود می‌آیند، خود می‌توانند مشوق شکل‌گیری تعاملات و ارتباطات اجتماعی بیشتر در فضای شهری باشند (William, 2005: 197).

رزالین دیپورزا^۱ با در نظر گرفتن اصول اخلاقی که در ارتباط با رابطه‌های انسانی و کالبد انسان مطرح می‌شود، این تئوری را ارائه می‌نماید که برقراری ارتباط با دیگران، ضروری و یکی از شرایط غیر قابل اجتناب در زندگی اجتماعی به شمار می‌آید. وی این مفهوم را سخاوت جسمانی^۲ می‌نامد (Hinchliffe, 2006:130). در واقع می‌توان گفت که تعامل اجتماعی یکی از انواع فعالیت‌های اجتماعی است و اصلی‌ترین فضا برای تأمین این نیاز انسان فضاهای شهری از جمله واحدهای همسایگی است (Gehl, 2014:17). با توجه به موارد گفته شده می‌توان چنین عنوان کرد که، تعامل‌پذیری به معنای توانایی فضای عمومی برای فراهم نمودن زمینه‌ای برای برقراری ارتباط و تعامل اجتماعی است، همچنین تعامل‌پذیر بودن الزاما به معنی برقراری ارتباط غریبه‌ها با یکدیگر نیست، بلکه این مفهوم بر این امر دلالت می‌کند که، در یک فضای تعامل‌پذیر مردم تمایل به نشستن، ماندن و مکث در فضای شهری دارند (Zakariya et al., 2014: 680). در یک دیدگاه کلی می‌توان گفت تعامل اجتماعی تحت تأثیر رویکردها و مفاهیم مختلفی قرار دارد که با هر کدام از آنها نیز دارای یک رابطه

1. Rosalyn Diporse
2. Corporeal generosity
3. Friendly
4. Sociable
5. Festive traits
6. Jean-Jacques Rousseau (1712-1778)
7. Arizpe

• نحوه طراحی کالبدی فضا به گونه‌ای باشد که، فضا ظرفیت کافی برای پذیرش فعالیت‌های متنوع در طولانی مدت داشته باشد.

فضاهای شهری صمیمی در هفت دسته قابل طبقه‌بندی هستند: میادین، پلازاها، پارک‌های خطی، بولوارها، خیابان‌های اصلاح شده با رویکرد پیاده‌مداری و واحدهای همسایگی (Nowicka, 2014: 353). فضاهای شهری صمیمی، تأییدی بر این امر است که طراحی کالبدی به تنهایی نمی‌تواند فضای شهری سرزنده‌ای را خلق نماید، بلکه فرهنگ، شیوه‌ها و ابزارهای مدیریتی تأثیر بیشتری در این زمینه خواهند داشت. مطالعاتی که تاکنون در حیطه صمیمیت و عوامل مؤثر بر آن صورت گرفته است، عوامل متنوعی را به عنوان عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن بیان نموده است. برای مثال وود و همکاران (۲۰۱۰)، پیاده‌مداری محدوده مورد مطالعه را به عنوان عامل مؤثر در تقویت حس تعلق اجتماعی و شکل‌گیری صمیمیت فضایی، عنوان نموده‌اند (Wood et al., 2010: 1385). سیمپسان (۲۰۱۱) نیز گمان دارد حضور رویدادهای غیررسمی نظیر نوازندگان خیابانی در فضای شهری، می‌تواند به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری کیفیت صمیمیت فضایی، مطرح باشد (Simpson, 2011). پرهام (۲۰۱۵) نیز «گردشگری غذایی»^۴ را عاملی مؤثر در ایجاد و تقویت کیفیت صمیمیت فضایی دانسته است (Parham, 2015: 81). به طور کیفیت‌های عوامل مؤثر بر شکل‌گیری کیفیت صمیمیت فضایی در فضاهای شهری را می‌توان به شرح جدول زیر بیان نمود:

انسان‌ها با هم در یک فضا و برقراری ارتباط و تعامل بین آن‌ها، دارد (Boisvert, 2010: 61). به عقیده اریکسون^۱ (۲۰۱۱)، مفهوم صمیمیت یک مفهوم هنجاری است که در فضاهای خالی از فعالیت و تعامل چیزی جز آرزویی آرمان‌گرایانه نخواهد بود (Nowicka, 2014: 349). رابو، بر اساس مطالعات گیلوری^۲ (۲۰۰۴) نشان داد که مفهوم صمیمیت به مثابه ابزاری تحلیلی برای بررسی سطح تعامل و ارتباط در زندگی روزمره قابلیت کاربست دارد^۳ (Rabo, 2011: 129). نوویکا در ارتباط با مفهوم صمیمیت، فردیت شخص را مورد تأکید قرار داده و معتقد است که صمیمیت حاصل روابط متقابل بین فردی و مستلزم تمرکز بر شرایط «با هم بودن» است؛ وی معتقد است صمیمیت به واسطه تعاملات اجتماعی مؤثر و سازنده شکل خواهد گرفت (ibid).

با توجه به همه تعاریفی که در ارتباط با مفهوم صمیمیت پیش از این عنوان شد می‌توان گفت که، منظور از فضاهای شهری صمیمی فضایی باز و عمومی است که شهروندان می‌توانند به دلیلی خاص و یا بدون دلیل در آنجا به دور هم جمع شوند، و با دیگران رابطه‌ای شاد و صمیمانه برقرار نمایند (Shaftoe, 2008: 8). این فضاها بایستی حائز تمام یا بخشی از ویژگی‌های زیر باشند (عینی‌فر، ۱۳۹۰):

- محیط و افراد حاضر در آن متقابلاً بر یکدیگر اثرگذارند.
- اطراف محیط مورد نظر بوسیله مغازه‌های خرده‌فروشی، رستوران‌ها و کافه‌ها احاطه شده است.

1. Erickson

2. Gilory

۳. در سال ۲۰۱۲ در شهر کسل آلمان نمایشگاهی با مفهوم «صمیمیت» برگزار گردید. در یادداشتی از نمایشگاه که در مورد صمیمیت توضیح داده بود این چنین آمده است که: «صمیمیت مفهومی کیفی از نقطه نظر تعاملات اجتماعی، حالتی از فعالیت تفریحی و اجتماعی و وابسته به شکل عمومی توزیع و پخش در فضای شهری است»؛ نگاه کنید به: www.thepowerplant.org

4. Gastronomic tourism

جدول (۱): معیارهای مؤثر بر شکل‌گیری صمیمیت فضایی (مأخذ: نگارندگان با برداشت از منابع)

معیار	شاخص‌ها
پیاده‌مداری	آسایش اقلیمی، مبلمان، مصالح، فرم، تنوع و جزئیات، مقیاس انسانی، تنوع کاربری، ترویج زندگی شبانه، همه شمول بودن، ممنوعیت گردش خودرو، ایجاد کشش و کنجکاوای از طریق طراحی فضاهای منسجم و پیوسته، امنیت، خوانایی
امنیت و آرامش	آسایش اقلیمی، مقیاس انسانی، فرم، مصالح، تنوع کاربری، ترویج زندگی شبانه، ممنوعیت گردش خودرو
سرزندگی	تنوع و جزئیات، مقیاس انسانی، ترویج زندگی شبانه، تنوع کاربری، همه شمول بودن، امکان فعالیت‌های شاد و مفرح، هنر عمومی، حضور عناصر طبیعی
خوانایی	جهت‌یابی سریع، تداوم، روشنایی کافی و مناسب در شب
تجمع‌پذیری	فرم، آسایش اقلیمی، ابعاد و اندازه، مبلمان، مقیاس انسانی، دسترسی، تنوع کاربری، ممنوعیت گردش خودرو، امکان فعالیت‌های شاد و مفرح، هم‌سنخیتی اجتماعی، توجه به عوامل زیبایی‌شناختی، حضور عناصر طبیعی، همه شمول بودن
حس‌تعلق	امکان فعالیت فرد در کنار سایر گروه‌های اجتماعی، مشارکت فرد با سایرین در فعالیت‌ها، مصالح، تنوع و جزئیات، تنوع کاربری، ترویج زندگی شبانه، امکان فعالیت‌های شاد و مفرح، هویت‌مند بودن، نگهداری و مراقبت مناسب
همبستگی اجتماعی	ترویج زندگی شبانه، همه شمول بودن، هنر عمومی، هم‌سنخیتی اجتماعی، حس‌تعلق

تکوین مفهوم واحد همسایگی

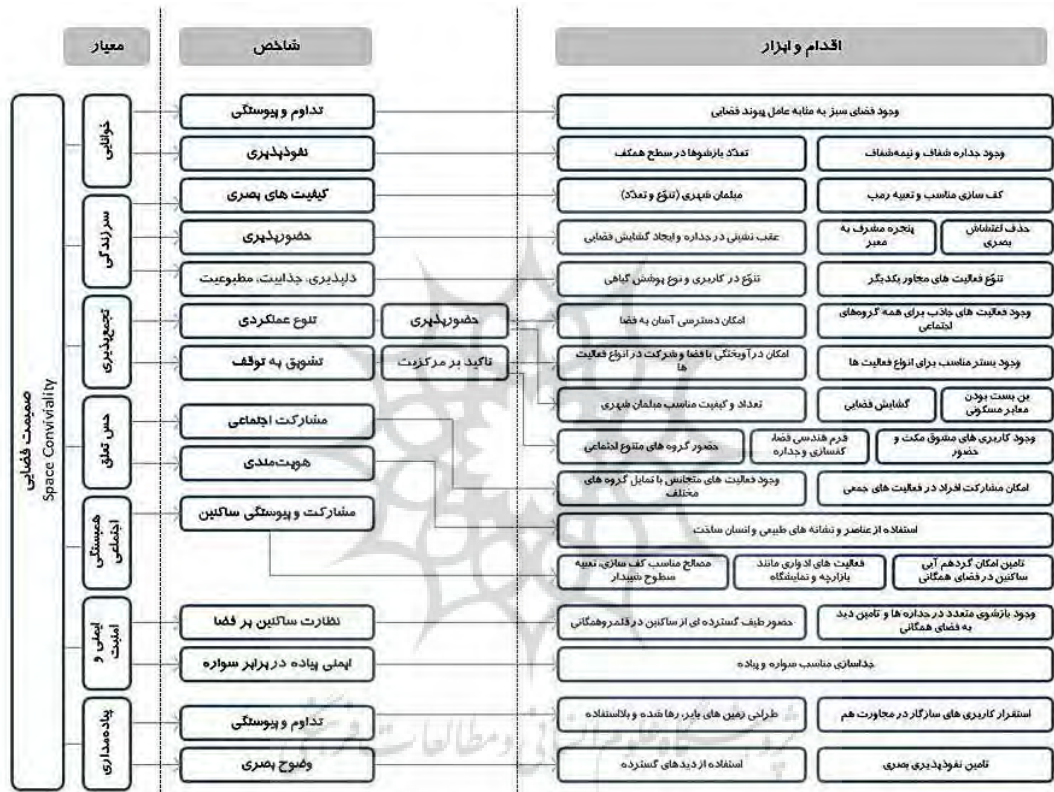
از روزگاران بسیار دور، روابط همسایگی و محله‌ای در فرهنگ ایرانی، ارتباطی بسیار صمیمی و گرم تلقی می‌شده است (قاسمی اصفهانی، ۱۳۸۳). منظور از فضای باز واحد همسایگی^۱ (NOS) فضاهای باز همگانی در مجاورت محل زندگی و سکونت مردمان است. البته چنین فضاهایی به پارک‌ها، باغ‌های اجتماعی، زمین‌های ورزش و بازی، روستاهای سبز، رودخانه‌ها، کانال‌ها و سواحل محدود نمی‌گردد (Sugiyama, 2009: 14). بر مبنای این دیدگاه، «آنچه در واحد همسایگی بیشتر با روابط اجتماعی مرتبط است، رعایت کیفیت‌آشنایی در فضایی همگانی است؛ طرح کلی چنین فضایی، شامل واشدگاهی کوچک است که تا شش‌گذر به آن راه می‌یابند، و چند مغازه آن را احاطه می‌نمایند» (ibid). اما تحقیقات نشان‌دهنده این مطلب است که لزوماً تعریف واحد همسایگی با روابط اجتماعی میان مردم منطبق

نخواهد بود (کارمونا و دیگران، ۱۳۸۸). بر مبنای نظرات مختلف، تقسیم‌بندی‌های متفاوتی در مورد انواع واحدهای همسایگی ارائه می‌شود، کارمونا (۱۳۸۸) واحدهای همسایگی را به ۵ دسته طبقه‌بندی کرده است:

۱. واحد همسایگی قراردادی که تنها وجه اشتراک آن‌ها نزدیکی واحدها از نظر فضایی است.
۲. واحدهای همسایگی بوم‌شناختی یا قومی، که دارای محیط و هویتی مشترکند.
۳. واحد همسایگی همگن با بافت یکنواخت و متجانس که گروه‌های قومی و یا اجتماعی در آن سکونت دارند.
۴. واحدهای همسایگی عملکردی که از شعاع عملکردی و حوزه نفوذ کاربری‌های خاص و اندازه جغرافیایی خاص تبعیت می‌کنند.
۵. واحدهای همسایگی اجتماعی که در آن مجموعه‌ای از افراد در ارتباط اجتماعی تنگاتنگ درون گروهی با یکدیگر قرار دارند.

خاص و نیز مساحت منطبق با یک واحد همسایگی، ملاک تدقیق قلمرو مورد پژوهی بوده است. از سویی دیگر، این نگاه به ترتیبی، در صدد آسیب شناسی و پرداختن به یک صورت مسئله شهری به ترتیبی است که میزان قرابت و افتراق واقعیت فضایی - کالبدی - کارکردی یک پهنه موجود شهری در جهت نیل به مختصات یک واحد همسایگی را مورد مذاقه قرار دهد.

در این مقاله، به منظور برآزش مفهوم واحد همسایگی به پهنه‌ای مسکونی که نوع غالب سکونت در محیط‌های شهری امروزه را شامل می‌شود، محدوده پیرامون یک خیابان جمع و پخش کننده محلی، منشعب از یک مسیر شریانی که در آن، کاربری مسکونی و خدمات وابسته به سکونت، غلبه داشته و نوعی شعاع عملکردی مبتنی بر مرکز محله قابل طراحی، حوزه نفوذ کاربری‌های



تصویر (۱): معیارها، شاخص‌های «صمیمیت فضایی» به مثابه کیفیت افزاینده تعامل پذیری و اقدام‌ها و ابزارهای رسیدن به آن در قالب فرآیند طراحی شهری و ارتقاء کیفیت محیطی (مأخذ: نگارندگان با جمع بست منابع)

واحد همسایگی بوده است. به همین ترتیب، با در نظر گرفتن یک شعاع عملکردی چهارصد متری برای سایتی که به صورت پلاکی بایر به مساحت تقریبی مترمربع در مرکز هندسی تقریبی محدوده مورد نظر قرار داشته است، پهنه هدف مشخص گردیده است. به لحاظ شاخص اقتصادی، بیشتر ساکنین این محدوده، وضعیت متوسط رو به بالایی دارند. همچنین کاربری‌های موجود

قلمرو مکانی مورد پژوهی

محدوده مسکونی خیابان شهید جهان آرا در منطقه چهار شهرداری شیراز قرار گرفته است. در تدقیق مرزبندی محدوده مورد نظر، منطق استفاده از شعاع عملکردی یک مرکز محله فرضی، مبنای پایه‌ریزی رویکرد طراحی شهری با هدف ارتقاء کیفیت محیطی و تثبیت شرایط مرکز گرایانه جهت بازتعریف قلمرو یک

در این محدوده شامل کاربری‌های مسکونی، تجاری خرده فروشی و درمانی [شامل یک درمانگاه] است.



تصویر (۲): محدوده پیرامونی خیابان جهان آرا [شیراز] به مثابه یک واحدهمسایگی؛ در شرایط شهرنشینی کنونی، محدوده‌هایی اینچنینی با کاربری غالب مسکونی، چنانچه دارای کیفیت محیطی مناسب باشند، یا فضاهای تعامل مانند مراکز محله برای آنها طراحی شود، می‌توانند بازتولیدی بر مفهوم واحدهمسایگی و شاید محله باشند (مأخذ: نگارنده)

دلایل انتخاب محدوده

بولوار پاسداران از لحاظ موقعیت قرارگیری در بافت جدید شهر شیراز قرار گرفته، که دارای عملکرد غالب مسکونی بوده و خیابان کشی‌های آن نیز بصورت شطرنجی است. خیابان جهان آرا نیز یکی از فرعی‌های مسکونی بولوار پاسداران است. بر اساس اطلاعات بدست آمده از نقشه و همچنین مشاهدات میدانی صورت گرفته هیچ نوع فضایی برای تجمع و گذران اوقات فراغت ساکنین محدوده مورد نظر، در شعاع واحد همسایگی در نظر گرفته نشده است و این مسئله یکی از نقاط ضعف و کمبودهای این محدوده به شمار می‌آید. علاوه بر آن به دلیل رشد شهرنشینی طی دهه‌های ۱۳۵۰ تاکنون در ایران، الگوی تولید مسکن تغییر یافته و ساخت مسکن آپارتمانی انبوه، سبب

پیدایش مجتمع‌های مسکونی در مقیاس‌های متنوع گردیده است که طبق نتایج بسیاری از پژوهش‌های به انجام رسیده، از حیث کیفیت محیط مسکونی، توفیق اندکی داشته است^۱. مطالعات و پژوهش‌های انجام گرفته در این زمینه نشان دهنده این مطلب است که یکی از نقاط ضعف در طراحی این قبیل مجتمع‌های مسکونی، در نظر نگرفتن نیاز انسان به تعامل و برقراری ارتباط با دیگران است (قره‌خانی، دژدار و جلالیان، ۱۳۹۵). نمونه‌ای از این نوع طراحی که در محدوده این پژوهش قرار دارد، مجتمع مسکونی دوستان است که در انتهای خیابان جهان آرا قرار دارد (تصویر ۳). این مجتمع شامل ۱۲ بلوک ۴ طبقه بوده که فاقد هر نوع فضایی برای تجمع و تعامل ساکنین است و تنها فضای همگانی و گردهمایی احتمالی در آن، یک زمین بازی و پارک کوچک است که در مجاورت مجتمع قرار گرفته، و

۱. برای نمونه نگاه کنید به: طیبی مسرور، ابوالقاسم و رضایی موید، صادق (۱۳۹۴). «ارزیابی میزان رضایت شهروندی از کیفیت‌های سکونتی در مجتمع‌های مسکونی؛ مورد پژوهی: مجتمع‌های مسکونی شهر همدان»، مدیریت شهری، شماره ۴۰، پاییز ۹۴، صص: ۶۱-۸۰.

مورد استفاده قرار می‌گیرد و در بیشتر اوقات خالی و خلوت است (تصویر ۴).



تصویر (۴): زمین بازی مجاور مجتمع مسکونی به عنوان تنها فضای همگانی که به دلیل عدم بهره‌مندی از کیفیت‌های برشمرده، کمتر کسی از آن استفاده می‌کند (مأخذ: نگارندگان).

طبق برداشت‌ها و نیز مصاحبه به عمل آمده از ساکنین، به دلیل موقعیت قرارگیری و طراحی نامناسب، به ندرت



تصویر (۳): مجتمع مسکونی دوستان (مأخذ: نگارندگان)

۲- بررسی وضعیت موجود شاخصه‌های مؤثر بر

شکل‌گیری کیفیت «صمیمیت فضایی»

الف) تجمع‌پذیری

بر اساس اطلاعات بدست آمده از بخش مبانی نظری، دو شاخص جذابیت و امکان حضور دسته جمعی افراد به عنوان شاخصه‌های تأثیرگذار بر شکل‌گیری کیفیت تجمع‌پذیری مطرح شده است. نتایج حاصل نشان می‌دهد که، محدوده مورد نظر از لحاظ ویژگی جذابیت در حد متوسط می‌باشد. همچنین بیشتر پاسخ دهندگان معتقد بوده‌اند که امکان حضور دسته جمعی در فضاهای عمومی در این محدوده کم است. بنابراین می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که محدوده مورد نظر از لحاظ کیفیت تجمع‌پذیری در وضعیت مطلوبی قرار ندارد. ضمن آن که نتایج حاصل از بررسی‌های میدانی نیز نشان می‌دهد که به دلایلی همچون نبود امکانات نشستن در سطح واحد همسایگی، همچنین فقدان فعالیت و رویدادهای جاذب جمعیت در این محدوده، نتیجه حاصل از تحلیل پرسشنامه تأیید شده می‌باشد.

همچنین ارزیابی و تحلیل داده‌ها نشان دهنده این مطلب است که مؤلفه‌هایی نظیر، شغل پاسخ دهندگان، سن

تحلیل و ارزیابی داده‌ها

در هر سه دسته از داده‌های گردآوری شده، می‌توان نتایج را به صورت زیر تحلیل و ارائه نمود:

۱- داده‌ها و اطلاعات مربوط به پرسش‌شوندگان

نتایج حاصل نشان دهنده این واقعیت است که بیشتر پاسخ دهندگان زن و همچنین افراد در گروه سنی ۲۱ تا ۴۰ سال بوده‌اند. همچنین بیشتر پاسخ دهندگان متأهل و مهاجر [از سایر نقاط شهر و از سایر نواحی جغرافیایی و شهرها] بوده‌اند. بنابراین می‌توان گفت که این محدوده جزء مناطق مهاجرپذیر شهر شیراز به شمار می‌آید. نتایج حاصل نشان دهنده این امر است که، بیشتر مهاجرین در مدت زمانی کمتر از ۵ سال است که به این محدوده مهاجرت کرده‌اند، به بیان دیگر، می‌توان گفت که هجوم مهاجرین در ۵ سال اخیر به این محدوده به دلیل افزایش ساخت و سازهایی بوده است که در این بازه زمانی در این محدوده انجام گردیده است. ضمناً مدت زمان زیادی از سکونت پاسخ دهندگان در این محدوده نمی‌گذرد و اکثر آن‌ها نیز مالک واحد مسکونی خود بوده‌اند.

ج) حس تعلق

بر اساس اطلاعات بدست آمده از بخش مبانی نظری، میزان شناخت افراد از همسایگان خود و همچنین حس مسئولیت آنها نسبت به محیط زندگی خود، به عنوان شاخصه‌های تأثیرگذار بر شکل‌گیری کیفیت حس تعلق مطرح شده‌اند. بر این مبنای، داده‌های حاصل از پرسشگری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است، نتایج حاصل نشان دهنده این امر است که حس تعلق ساکنان محدود به محیط کالبدی زندگی‌شان (خانه شخصی خود) بوده و تحت تأثیر روابط اجتماعی با همسایگان و یا آشنایی با آنها قرار ندارد. این مهم قرابت بسیاری با مفهوم زیست‌پذیری و کیفیت آشنایی با محیط و همسایگانی دارد که نخستین بار توسط دانلد ایلارد مطرح شده، و تضمینی است بر سایر کیفیت‌های یک واحد همسایگی [که در آنجا نیز با محوریت خیابان محلی تعریف شده بود]^۱.

تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسشگری نشان دهنده این امر است که، مؤلفه‌هایی نظیر سن افراد، وضعیت تأهل، وضعیت مهاجرت، نوع مالکیت، ساختار خانواده و همچنین مدت زمان مهاجرت بر شکل‌گیری کیفیت حس تعلق تأثیرگذار می‌باشند. در این ارتباط آزمون معنی‌داری ضریب همبستگی اسپیرمن به منظور سنجش ارتباط بین مدت زمان مهاجرت پاسخ‌دهندگان و حس تعلق آن‌ها به محیط زندگی‌شان انجام شده است. نتایج، نشان‌دهنده این مهم است که در سطح معنی‌داری اسمی ۰,۰۵ مقدار ضریب همبستگی در جدول بر مبنای پی مقدار نشان دهنده ارتباط قوی بین دو متغیر مدت زمان مهاجرت و حس مسئولیت‌پذیری ساکنان بوده است. همچنین بین دو متغیر مدت زمان مهاجرت و میزان شناخت افراد از همسایگان نشان ارتباط معناداری وجود ندارد و این دو مؤلفه به هم وابسته نیستند. بنابراین

افراد و همچنین ساختار خانواده با کیفیت تجمع‌پذیری رابطه مستقیمی دارد؛ برای مثال افراد با سن بالاتر، تمایل بیشتری هم به حضور گروهی در فضاها شهری دارند. ضمن آن که جنسیت و وضعیت تأهل پاسخ‌دهندگان نیز می‌تواند بطور نسبی در این امر تأثیرگذار باشد. این در حالی است که مؤلفه‌هایی نظیر میزان تحصیلات و وضعیت مهاجرت پاسخ‌دهندگان، با این کیفیت رابطه معکوس دارند، برای مثال کسانی که مهاجر نیستند تمایل بیشتری به حضور در تجمعات موجود در فضاها شهری داشته‌اند.

ب) همبستگی اجتماعی

بر اساس اطلاعات بدست آمده از بخش مبانی نظری، میزان صمیمیت و رفت و آمد با همسایگان، کمک‌گرفتن از آن‌ها و همچنین میزان مشارکت در امور مربوط به بهسازی محل زندگی خود، از شاخصه‌های تأثیرگذار بر شکل‌گیری کیفیت همبستگی اجتماعی می‌باشند. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های پرسشنامه نشان دهنده این مطلب است که، کیفیت همبستگی اجتماعی در وضعیت نامطلوبی قرار داشته و به بیان دیگر، اهالی محل حس همبستگی اجتماعی با یکدیگر ندارند و یا این احساس در سطح بسیار پایینی است.

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان دهنده این امر است که وضعیت مهاجرت افراد با همبستگی اجتماعی آن‌ها رابطه مستقیم دارد. این در حالی است که مؤلفه‌هایی نظیر میزان تحصیلات و نوع مالکیت، بطور نسبی بر کیفیت همبستگی اجتماعی تأثیرگذار خواهند بود. وضعیت سلامت جسمی پاسخ‌دهندگان در رابطه معکوس با کیفیت همبستگی اجتماعی دارد. به بیان دیگر، افرادی که مشکل جسمی داشته‌اند همبستگی اجتماعی کمتری با محیط زندگی خود داشته‌اند.

1. Appleyard, D. (1981). *Livable Streets*, Berkeley: University of California Press.

می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که کیفیت حس تعلق با مدت زمان مهاجرت رابطه نسبی دارد؛ به این معنی که مدت زمان مهاجرت با حس مسئولیت ساکنین نسبت به محل زندگی‌شان رابطه معکوس داشته اما بین مدت زمان مهاجرت و شناخت پرسش شونده‌گان از همسایگان‌شان رابطه‌ای یافت نشده است.

جدول (۲): آزمون معنی‌داری ضریب همبستگی اسپیرمن به منظور سنجش ارتباط بین مدت زمان مهاجرت پاسخ‌دهندگان و حس تعلق آن‌ها نسبت به محل زندگی‌شان (مأخذ: نگارندگان)

شناخت از همسایگان	حس مسئولیت	مدت زمان مهاجرت			Spearman' rho
0.1	-0.179	1.000	Corelation Coefficient	مدت زمان مهاجرت	
0.874	0.003	.	Sig (2-tailed)		
264	265	265	N	حس مسئولیت	
0.105	1.000	-0.179	Corelation Coefficient		
0.09	.	0.003	Sig (2-tailed)		
264	265	265	N	شناخت از همسایگان	
1.000	0.105	-0.010	Corelation Coefficient		
.	0.090	0.874	Sig (2-tailed)		
264	264	264	N		

سرزندگی در نظر گرفته شده‌اند. بر این اساس داده‌های حاصل از پرسشگری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته، و این نتیجه حاصل گردید که میزان وجود فعالیت و رویدادهای غیررسمی در این محدوده بسیار ناچیز است، همچنین اکثریت پرسش‌شونده‌گان (۶۱ درصد) معتقد بوده‌اند که در این محدوده فضای مناسبی برای مکث و حضور واجد کیفیت وجود ندارد.

(و) پیاده‌مداری

سنجش کیفیت پیاده‌مداری در دو بخش انجام شده است، نخست این که در حال حاضر مردم به چه میزان پیاده‌روی می‌کنند، دوم این که جذابیت و امکانات موجود در محدوده مورد نظر تا چه حد آنها را ترغیب به پیاده‌روی نموده، و یا به عبارتی محیط را به فضایی جذاب برای پیاده‌روی تبدیل کرده است. نتایج حاصل نشان می‌دهد که در حال حاضر، میزان پیاده‌روی افراد در این محدوده در وضعیت نسبتاً مطلوبی قرار دارد [عمدتاً به دلیل دسترسی به خدمات محله‌ای و روزمره]. این وضعیت در مورد تمایل افراد به پیاده‌روی هم صدق می‌کند. اما کیفیت محیط کالبدی در محله نظیر وجود

(د) امنیت و آرامش

در این بخش به منظور بررسی کیفیت امنیت و آرامش، شاخص «امنیت حضور کودکان» در فضاهای این محدوده بررسی شده است. در مجموع می‌توان گفت که محله مورد نظر برای بازی کودکان محل نسبتاً امنی است. همچنین تجزیه و تحلیل اطلاعات بدست آمده از پرسشنامه نشان دهنده این مطلب است که، بین جنسیت، سن و وضعیت سلامت جسمی پاسخ‌دهندگان با دیدگاه آن‌ها در مورد وضعیت امنیت و آرامش محدوده مورد نظر ارتباط معناداری وجود دارد. به این ترتیب که افراد با سلامت جسمی بیشتر و همچنین سنین بالاتر احساس امنیت بیشتری از حضور در فضاهای محله داشته‌اند. همچنین خانم‌ها نسبت به آقایان احساس امنیت کمتری به هنگام حضور در فضاهای محله داشته‌اند.

(ه) سرزندگی

میزان وجود فعالیت و رویدادهای غیررسمی مانند رخدادهای فرهنگی، نمایش یا موسیقی خیابانی، و همچنین تدوام بیشتر حضور افراد در فضاهای شهری، به عنوان شاخصه تأثیرگذار بر شکل‌گیری کیفیت

همچون جنسیت، سن پاسخ‌دهندگان و وضعیت سلامت جسمانی آن‌ها مرتبط است. به بیان دیگر بانوان نسبت به آقایان و همچنین گروه‌های سنی بالاتر از ۲۰ سال نسبت به گروه سنی زیر ۲۰ سال تمایل بیشتری به پیاده‌روی دارند. نامناسب بودن فضاهای موجود بر میزان پیاده‌روی افراد تأثیر منفی داشته است اما بر تمایل آن‌ها به پیاده‌روی تأثیری نداشته است.

مبلمان مناسب برای نشستن، کف‌سازی، کاربری‌های جاذب و همچنین فضای سبز که از جمله عوامل مؤثر در تقویت پیاده‌مداری محسوب می‌شوند، در وضعیت نامناسبی قرار دارد. لذا لازم است که اقداماتی در راستای بهبود وضعیت آن‌ها صورت بگیرد. بر اساس تجزیه و تحلیل اطلاعات بدست آمده می‌توان گفت که کیفیت پیاده‌مداری محدوده مورد نظر با مؤلفه‌هایی

جدول (۳): آزمون معنی داری ضریب همبستگی اسپیرمن به منظور سنجش ارتباط بین مدت زمان مهاجرت و اقامت پاسخ‌دهندگان با کیفیت خوانایی در محدوده مورد نظر (مأخذ: نگارندگان)

خوانایی	مدت اقامت	مدت زمان مهاجرت		
-0.185	0.152	1.000	Corelation Coefficient	مدت زمان مهاجرت
0.003	0.013	.	Sig (2-tailed)	
265	265	265	N	
0.132	1.000	0.152	Corelation Coefficient	مدت اقامت
0.032	.	0.013	Sig (2-tailed)	
265	265	265	N	
1.000	0.132	-0.185	Corelation Coefficient	خوانایی
.	0.032	0.003	Sig (2-tailed)	
265	265	265	N	

ز) خوانایی

خوانانتر دانسته‌اند. ضمن آن که مدت زمان مهاجرت و اقامت در محدوده مورد نظر نیز بر شکل‌گیری این کیفیت تأثیرگذار خواهد بود. به این ترتیب که در سطح معناداری اسمی ۰,۰۵ مقدار ضریب همبستگی در جدول زیر بر مبنای پی، مقدار ارتباط قوی ای را بین دو متغیر مدت زمان مهاجرت و همچنین مدت زمان اقامت با کیفیت خوانایی در محدوده مورد نظر نشان می‌دهد؛ مؤلفه خوانایی با مدت زمان اقامت ساکنین دارای رابطه مستقیم و با مدت زمان مهاجرت آن‌ها دارای رابطه معکوس می‌باشد.

نتیجه‌گیری

عدم توجه برنامه‌ریزان و طراحان شهری به نیازهای اجتماعی انسان از جمله تعامل و برقراری ارتباط با دیگران، می‌تواند مشکلات اساسی برای ساکنین شهرها

به منظور سنجش کیفیت خوانایی از شاخص مکان‌یابی آسان منزل توسط کودکان استفاده گردیده است. داده‌های حاصل از پرسشگری بیانگر این امر بوده است که، بیشتر پاسخ‌دهندگان معتقد بوده‌اند که کودکانشان در پیدا کردن آدرس منزل مشکل کمی دارند. بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که محدوده مورد نظر از لحاظ کیفیت خوانایی در وضعیت مطلوبی قرار گرفته است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های آماری نشان دهنده این مطلب است که مؤلفه‌هایی نظیر سن پاسخ‌دهندگان، وضعیت مهاجرت آن‌ها، مدت زمان مهاجرت و همچنین مدت زمان اقامت در محدوده مورد نظر بر شکل‌گیری کیفیت خوانایی تأثیرگذار خواهد بود. بر این اساس می‌توان گفت که افراد با سن بالاتر و همچنین بومیان نسبت به مهاجران محدوده مورد نظر را

نمود که، محدوده مورد نظر از حیث کیفیت صمیمیت فضایی در وضعیت نامطلوبی قرار داشته و به عبارتی محدوده مورد نظر فاقد کیفیت صمیمیت فضایی است. اما مشاهدات میدانی صورت گرفته نشان می‌دهد که محدوده جهان آرا بصورت بالقوه پتانسیل کافی برای داشتن یک فضای شهری صمیمی دارد و با اقدامات مناسب طراحی شهری می‌توان این کیفیت را در فضای شهری مورد نظر ایجاد کرد.

از همین رو می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که محدوده جهان آرا در حال حاضر فاقد کیفیت تعامل پذیری بر اساس رویکرد صمیمیت فضایی است. اما حضور عوامل و کیفیت‌هایی در آن، همچون حس تعلق ساکنین به محل زندگی‌شان و امنیت نسبی موجود در کنار زمین خالی موجود که در نقشه طرح تفصیلی برای طراحی میدان مرکزی محله در نظر گرفته شده ولی هنوز اجرا نشده است، می‌تواند زمینه مساعدی را برای شکل‌گیری این کیفیت در این محدوده فراهم نماید.

به دنبال داشته باشد؛ یکی از این مشکلات عدم وجود روابط همسایگی در فضاهای محله‌های مسکونی است. چنانچه که قبلاً نیز عنوان شده است، هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی میزان تعامل‌پذیری محدوده جهان آرا با استفاده از رویکرد صمیمیت فضایی می‌باشد؛ صمیمیت فضایی یکی از کیفیت‌های تأثیرگذار بر شکل‌گیری و تقویت تعاملات اجتماعی در فضاهای شهری است و خود تحت تأثیر ۷ مؤلفه شامل سرزندگی، ایمنی و امنیت، خوانایی، پیاده‌مداری، حس تعلق، تجمع‌پذیری و همبستگی اجتماعی قرار دارد. نتایج حاصل نشان‌دهنده این مطلب است در محدوده مورد نظر از میان هفت مؤلفه تأثیرگذار بر شکل‌گیری کیفیت صمیمیت فضایی، بجز مؤلفه خوانایی، سایر مؤلفه‌ها (پیاده‌مداری، سرزندگی، تجمع‌پذیری، ایمنی و امنیت، حس تعلق و همبستگی اجتماعی) در وضعیت نامطلوبی قرار داشته، اما پتانسیل کافی برای بهبود وضعیت این مؤلفه‌ها در محدوده مورد نظر موجود است. بنابراین می‌توان نتیجه این پژوهش را چنین عنوان

Amin, A. (2007). "Rethinking the Urban Social", City, Vol.11, April, No.1, pp: 114-100.

Bin Ngah, E and Bigdeli Rad, Vahid. (2013). "Public Spaces and Effective Factors on Social Interactions", International Journal of Current Engineering and Technology, Vol.3, March, No.1, pp: 188-184.

Boisvert, Raymond D. (2010). "Convivialism: A Philosophical manifesto", The Pluralist, Vol.5, No.2, pp: 68-57.

Fincher, R. (2003). "Planning for Cities of Diversity, difference and encounter", Australian Planner, Vol.40, No.1, pp: 58-55.

Gehl, J & Matan, A. (2009). "Two Perspectives on Public Spaces", Building Research & Information, Vol.37, No.1, pp: 109-106.

Gehl, Jan & Svarre, Birgitte. (2013). How to study Public Life, Washington, Covelo, London, Island Press.

Hinchliffe, S. & Whatmore, S. (2006). "Living Cities: Towards a Politics of Conviviality", Science as Culture, June, Vol.15, No.2, pp: 138-123.

Jacobs, J. (2002). Death and Life of Great American Cities, New York: Random House.

Laurier, E & Philo, C. (2006). "Cold Shoulders and Napkins Handed: Gestures of responsibility", Transition of Institute of British Geographers, Vol.31, pp: 207-193.

Nowicka, M. (2014). "Comparing Convivialities: Dreams and realities of living – with – difference", European Journal of Culture Studies, Vol.17, No.4, pp: 356-341.

Parham, S. (2015). Food and Urbanism: The Convivial City and a Sustainable Future.

Peattie, L. (1998). Convivial Cities, pp: 247-252.

Rabo, A. (2011). "Conviviality and Conflict in Contemporary Aleppo", Religious Minorities in the Middle East, Brill Online, pp: 147-123.

Rapoport, A. (1977). Human aspects of urban form, New York, Pergamon Press.

Shaftoe, H. (2008). Convivial Urban Space (creating effective public spaces), London: Earthscan.

Simpson, P. (2011). "Street Performance and the City: Public Space, Sociability, and intervening in the everyday", Space and Culture, Vol.14, No.4, pp: 430-412.

Sugiyama, T. (2009). "Association between neighborhood open spaces Attributes and Quality of life for older people in Britain", Environment and Behavior, Vol.41, January, No.1, pp: 21-3.

Williams, J. (2005). "Designing neighborhood for social interaction: The case of Cohousing", Journal of Urban Design, Vol.10, June, No.2, pp: 277-195.

Wood, L & Frank, L & Giles – Cort, B. (2010). "Sense of Community and its Relationship with Walking and Neighborhood Design", Social Science and Medicine, Vol.70, pp:1390-1381.

Zakariya, Kh & Nor Zalina, H & Mazlina, M. (2014). "Spatial characteristics of urban square and

فهرست منابع

راست بین، ساجد، جعفری، یاسر، دارم، یاسمن، معززی، امیرمحمد و طهران، مهر (۱۳۹۱). رابطه همبستگی بین کیفیت‌های محیطی و تداوم حیات شهری در عرصه عمومی (نمونه موردی: جلفای اصفهان). باغ نظر، ۲۱، ۴۶-۳۵.

قره‌خانی، کمال، دژدار، امید و جلالیان، سارا (۱۳۹۵). بررسی تاثیر فضاهای اجتماع پذیر بر کیفیت زندگی ساکنین مجتمع‌های مسکونی. سومین کنفرانس بین المللی دستاوردهای نوین پژوهشی در مهندسی عمران، معماری و مدیریت شهری، تهران، کنفدراسیون بین المللی مخترعان جهان (IFIA)، دانشگاه جامع علمی کاربردی.

کارمونا، متیو و دیگران (۱۳۸۸). مکان‌های عمومی، فضاهای شهری. (فریبا قزایی و دیگران). تهران: انتشارات دانشگاه هنر.

گل، یان (۱۳۸۹). فضاهای عمومی و زندگی جمعی شهر آدلاید. (علی غفاری و علی سهیلی پور). تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

گل، یان (۱۳۹۲). شهر انسانی. (علی غفاری و لیلا غفاری). تهران: علم معمار.

مدنی پور، علی (۱۳۸۹). فضاهای عمومی و خصوصی شهر. (فرشاد نوریان). تهران: سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.

مقدم، گلرخ، بحرینی، حسین و عینی‌فر، علیرضا (۱۳۹۰). تحلیل اجتماع پذیری محیط کالبدی متأثر از ادراک طبیعت در محیط انسان ساخت. هنرهای زیبا، ۴۵.

وایت، ویلیام (۱۳۹۱). زندگی اجتماعی در فضاهای شهری کوچک. (میترا حبیبی و محمدهادی غیائی). تهران: انتشارات دانشگاه هنر.

www.conviviality.com

sociability: A review of the city square, Melbourne”, Social and Behavioral Science, Vol.153, pp: 688-678.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی